



دیدار جمعی از فراگیران موسسه فرهنگی مهتدین با مرجع عالیقدر حضرت آیت الله مکارم شیرازی (مدظله)

مورخ: چهارشنبه ۸۵/۵/۴

[در ابتدای جلسه من باب آشنایی حجت الاسلام والمسلمین سید وحید معتمدی به نمایندگی از موسسه فرهنگی مهتدین گزارشی پیرامون ماهیت موسسه، حوزه های فعالیت، سیستم جلسات هفتگی، انتخاب فراگیران را به اختصار ارائه دادند]

بیانات مرجع عالیقدر حضرت آیت الله مکارم شیرازی

از دیدار شما عزیزان که از یک منطقه بسیار حساس تهران به زیارت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا (ع) آمده اید و در وطن خودتان جلسات آموزش اسلامی طبق برنامه حساب شده دارید بسیار خوشبختم. حقیقت این است که ما به وجود شما جوانان با ایمان آن هم در محیط هایی که از نظر فرهنگی مشکل دارند بسیار افتخار می کنیم. وجود جوانان با ایمان، مسلمان، مقید به برنامه های اسلامی در این زمان و مکان بسیار مایه مباهات است؛ و شما هستید که می توانید پرچم اسلام،





قرآن و حکومت اسلامی را به دست بگیرید و به نسل های آینده ان شاء الله برسانید.

بنده حدیثی از مولا امیرمؤمنان علی علیه السلام از اواخر نهج البلاغه برای شما بیان می کنم که حدیث معروف و مشهوری ست، این حدیث را به خاطر بسپارید. این حدیث از کمیل بن زیاد که فردی عالم و با تقوا و صاحب اسرار علی(ع) بود، نقل شده است :

کمیل می گوید خدمت امام(ع) رسیدم، فرمود با من بیا! دست مرا گرفت و به خارج شهر کوفه برد آهی از دل پر درد کشید و بعد بیاناتی برای من کرد. (از این مقدمه استفاده می شود که مطالب مطالبی بوده است که همه کس لیاقت شنیدن آن را نداشته اند و لذا علی(ع) او را به خارج کوفه برد).

روایت مفصل است و من فقط چند جمله را خدمت شما عزیزان عرض می کنم .

فرمود: یا کمیل بن زیاد، إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ أَوْعِيَهُ فَخَيْرُهَا أَوْعَاهَا، فَاحْفَظْ عَنِّي مَا أَقُولُ لَكَ : النَّاسُ ثَلَاثَةٌ : فَعَالِمٌ رَبَانِيٌّ، وَ مَتَعَلَّمٌ عَلَي سَبِيلِ النَّجَاتِ، وَ هَمَجٌ رَعَاعٌ، أَتْبَاعُ كُلِّ نَاعِقٍ يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ، لَمْ يَسْتَضِيئُوا بِنُورِ الْعِلْمِ، وَلَمْ يَلْجِئُوا إِلَى رُكْنٍ وَثِيقٍ.

ای کمیل، دلها چونان ظرفهایند و بهترین آنها نگدارنده ترین آنهاست.



پس هر چه می گویم به خاطر بسپار. مردم سه دسته اند؛ اول عالمی ربّانی، دوم آموزنده ای که در راه راست گام برمی دارد و سوم هَمَج الرّاع. یعنی کسانی که از پی هر آواز می روند و با وزش هرباد به چپ و راست میل می کنند. از فروغ دانش بهره ور نشده اند و به رکن استواری پناه نجسته اند.

ای کمیل، قلبهای انسانها حکم ظروف را دارند و آن قلبی ارزشش بیشتر است که وسعت و گنجایش بیشتری برای علوم و دانش ها دارد. (منظور از قلب همین قلبی که مرکز دستگاہ گردش خون است، نیست قلب به معنی روح انسان است) لذا فرمود روح انسانها ظرفیتهای مختلف دارند آن روحی با ارزش تر است که ظرفیت بیشتری دارد؛ فَخَيْرُهَا أَوْعَاها(بهترین آنها پرگنجایش ترین آنهاست). در واقع انسانها مثل کسانی هستند که ظروفی را برمی دارند و کنار چشمه آب می برند؛ هرکس به اندازه ظرفش از آن چشمه آب برمی دارد؛ بعضی یک کوزه آورده اند، و برخی بیشتر می برند؛ آن کسی که ظرفیت پیمانۀ اش بیشتر است سهم او از آن آب زلال حیاط بخش بیشتر خواهد بود. پس سعی کنید قلوب شما ظرفیت بیشتری برای پذیرش علم و دانش داشته باشد؛ هر چه گنجایش روح شما بیشتر باشد، ارزش وجود شما بیشتر و سهمتان هم بیشتر می باشد. از این جا معلوم می شود که فیض





خدا محدود نیست؛ لطف خدا مثل ذات اوست، نامحدود است بلکه محدودیت در ماست. اگر من سهم کمتری دارم به واسطه این است که گنجایش کمتری دارم. چه کار کنیم که گنجایش روحمان بیشتر بشود؟ راه های زیادی دارد؛ نشست و برخاست با علما و دانشمندان، مطالعه کتابهای مفید، استفاده از تجربه های دیگران، بررسی تاریخ پیشینیان، شرکت در همین جلساتی که شما دارید، همه و همه گنجایش روح انسان را بیشتر می کند.

بعد امام (ع) ادامه دادند و فرمودند: النَّاسُ ثَلَاثَةٌ. مردم سه گروهند و این سخن تنها برای مردم آن زمان نبود، بلکه برای مردمان امروز و فردا هم است.

مردم سه گروهند، چهارمی هم ندارد یعنی هر کدام از ما باید حساب کنیم که جزء کدام گروه هستیم.

گروه اول: عَالِمٌ رَبَّانِيٌّ : علمایی که ربانی اند. ربانی دو معنا دارد یکی یعنی منصوب به رب که همان خداست پس ربانی یعنی عالم الهی، عالمی که علمش در خدمت جامعه انسانی است حال هر علمی که می خواهد باشد اما نه علمی که به ضرر انسانهاست. هر کدام از ما می توانیم هدفمان را رسیدن به گروه اول قرار دهیم و هیچ مانعی هم ندارد؛ در هر پایه تحصیلی هدفتان این باشد که جزء علمای ربانی باشید. معنای دوم



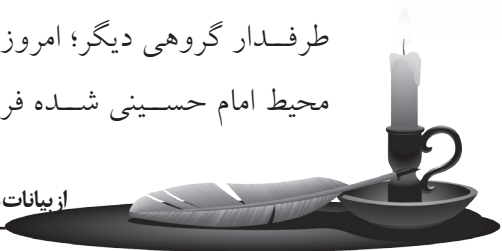
ربانی یعنی عالمی که مربی جامعه است. علمش را در وجود خودش احتکار نمی کند بلکه در اختیار جامعه می گذارد؛ مثل خورشیدی که می درخشد و گلها، درختان و میوه ها را پرورش می دهد.

گروه دوم: مُتَعَلَّمٌ عَلَى سَبِيلِ النَّجَاتِ. شما عزیزان الآن در گروه دومید و ان شاءالله می توانید به سوی گروه اول حرکت کنید.

متعلم یعنی کسی که فراگیر علم است؛ علی سبیلِ النَّجَاتِ یعنی در مسیر سالم؛ یعنی شما علمی فرا می گیرید که در مسیر سالم است.

بنده عالم ربانی را به آفتاب تشبیه می کنم که موجودات را پرورش می دهد و تربیت می کند و گروه دوم که مُتَعَلَّمٌ عَلَى سَبِيلِ النَّجَاتِ است را تشبیه به ماه؛ ماه نورش از خودش نیست، از خورشید می گیرد و نواری گردد و می شود چراغ شبهای تار؛ او هم به اندازه خودش نور افشانی می کند چون در برابر خورشید قرار گرفته (مُتَعَلَّمٌ عَلَى سَبِيلِ النَّجَاتِ)

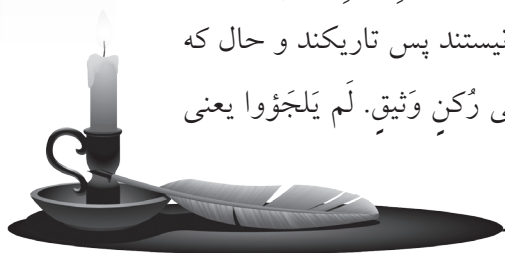
گروه سوم: هَمَجٌ رَعَا، أَتْبَاعُ كُلِّ نَاعٍ. نه عالم است و نه در محضر عالم زانو زده و کسب علم کرده. هَمَجٌ یعنی موجودات و افرادی که بی برنامه، بی هدف و بی مکتبند؛ هر صدایی از هر جایی که بلند می شود دنبال آن را می گیرد و راه می افتد. امروز طرفدار این گروه و فردا طرفدار گروهی دیگر؛ امروز در مجلس امام حسین (ع) می آید چون محیط امام حسینی شده فردا در مجلس یزید شرکت می کند چون





محیط یزیدی شده. لذا معنای شفاف هَمَج رَعَاغ می شود افراد بی پایه بی مایه، افراد بی هدف بی برنامه. بعد می فرمایند أَتَبَاعُ كُلِّ نَاعِقٍ یعنی هر صدایی از هر کجا بلند می شود چون برنامه ندارد می رود دنبالش. يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ یعنی باد از هر سو بوزد همراهش حرکت می کند. در احادیث داریم الْمُؤْمِنُ كَالْجَبَلِ؛ انسان با ایمان مثل کوه است. طوفانها او را تکان نمی دهد، اوست که طوفان را تکان می دهد، سیلی به صورت طوفان می زند و راه طوفان را عوض می کند. اما آیا یک پر گاه می تواند مسیر باد و طوفان را عوض کند؟ نه، یک نسیم ساده هم که بوزد او را با خودش می برد. آدم با ایمان مثل کوه است؛ لَا تُتَحَرِّكُ الْعَوَاصِفُ؛ عواصف جمع عاصمه است یعنی طوفان، تندباد. تندبادها انسان با ایمان را تکان نمی دهد حتی اگر در یک محیط آلوده باشد بازهم پاک است؛ همه دنیا را فساد بگیرد به دام فساد نمی افتد؛ همه آلوده بشوند بازهم او پاک است؛ (لَا تُتَحَرِّكُ الْعَوَاصِفُ). اما هَمَج رَعَاغ مانند پر گاه هستند یعنی يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ.

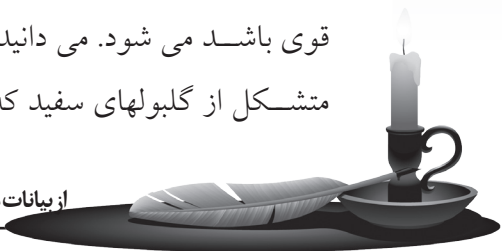
اما چه می شود که انسانها هَمَج رَعَاغ می شوند؟ امیرالمومنین (ع) خودشان جواب داده اند. فرمودند لَمْ يَسْتَضِيئُوا بِنُورِ الْعِلْمِ. اینان به نور علم روشن نشده اند، چون روشن نیستند پس تاریکند و حال که تاریکند به هر سو می روند؛ وَلَمْ يَلْجَأُوا إِلَى رُكْنٍ وَثِيقٍ. لَمْ يَلْجَأُوا یعنی



پناه ندارند، رکن یعنی ستون، وَثِيقٌ یعنی محکم. اینان تکیه گاه محکم ندارند؛ یک پرگاه وسط این فضا با هر نسیمی حرکت می کند دیگر احتیاجی به طوفان ندارد. اما اگر کسی به ستون محکمی تکیه کرد دیگر طوفان ها نمی توانند او را به حرکت درآورند.

شما عزیزان جزء گروهی هستید که يَلْجَأُوا إِلَى رُكْنٍ وَثِيقٍ هستند نه لَمْ يَلْجَأُوا إِلَى رُكْنٍ وَثِيقٍ. همانطور که برادر عزیزمان اشاره کردند همین جلساتی که شما در تهران دارید واقعاً حکم رکن و ثیق را برای شما دارد؛ مایه امیدواری است، باعث نجات و استحکام می شود در برابر طوفان های حوادث، فساد و تندبادهای منحرف کننده عقیده و اخلاق که خیلی ها الآن می خواهند هم عقیده را منحرف کنند و هم اخلاق را. آنهایی که پناه به رکن و ثیق برده اند و مُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ النَّجَاتِ اینها در برابر این طوفانها محفوظند.

بنده سوالی مطرح می کنم و جوابش را عرض می کنم ولی شما عزیزان هم در ذهنتان جوابش را بدهید. انسان چگونه می تواند در یک محیط آلوده به انواع میکروبها که نمی توان آنها را گندزدایی کرد از خطر ابتلا به این امراض مصون بماند؟ آیا راهی دارد؟ آری، اگر بنیّه ما قوی باشد می شود. می دانید که در درون ما سیستم دفاعی وجود دارد متشکل از گلبولهای سفید که در مقابل میکروبها مقاومت می کنند اگر





نیروی دفاعی بدن قوی باشد در محیط آلوده هم مبتلا نمی شود. مزاج های ضعیف و مستعد بیماری هستند که زود مبتلا می شوند اما مزاج قوی مقاومت می کند. هستند کسانی که در آب و هوایی پاک و بهداشتی زندگی نمی کنند اما سالمند چون نیروی دفاعی بدنشان قوی ست. در دنیای امروز که تهاجم فرهنگی شدیداً مخصوصاً نسبت به جوانان و نوجوانان است برای اینکه بتوانید نجات پیدا کنید باید بنیّه ایمانتان را قوی کنید. اگر ایمان قوی باشد انسان می تواند خودش را حفظ کند. ما الحمدلله دارای فرهنگ قوی اسلامی هستیم که فرهنگ قرآن است؛ عزیزان به قرآن روز به روز آشنا تر بشوید، با نهج البلاغه علی (ع) آشنا تر شوید اینها شما را حفظ می کند و نگه می دارد.

من اشخاصی را می شناسم که رفتند امریکا و در آنجا که مرکز انواع فساد است زندگی کردند ولی وقتی برگشتند از قبلشان مؤمن تر بودند و ایمانشان قوی تر شده بود. بچه ای که در امریکا متولد شده، زبان اولش انگلیسی بوده و زبان دومش فارسی حالا که ایران آمده بعد از اتمام رشته مهندسی دانشگاهش آمده در حوزه علمیه قم طلبه شده؛ آنجا پرورش یافته، در بین آن مفاسد اما ایمان پدر و مادرش قوی بوده و تربیت فرزند قوی بوده که او حفظ شده؛ نه تنها حفظ شده بلکه قوی تر آمده به میدان؛ این جا هم که آمده خودش را حفظ کرده است لذا



شما هیچ وقت از هجوم فرهنگی دشمن نهراسید؛ هرگز حالت یأس پیدا نکنید؛ نگویید محیط فاسد شده و دیگر چه کسی می تواند پاک باشد؛ این خود شما افراد با ایمان هستید که می توانید پاک بمانید؛ افرادی که در سایه قرآن و نهج البلاغه علی(ع) پرورش یافته اید شما می توانید پاک بمانید.

من امیدوارم در کنار قبر ثامن الحجج علی موسی الرضا علیه السلام همه شما خودتان را از فساد فراگیر این دنیای آلوده به فساد که مصداق «بعدهما مُلِّتْ ظُلْمًا وَجُورًا» شده است، بیمه کنید و امیدوارم صاحب اصلی آن بیاید و این دنیا «بِمَلَاوِهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا» بشود.

کنار قبر حضرت که می روید بگوید ما تقاضایی که از شما داریم این است که در پیشگاه خدا برای ما شفاعت کنید و ما را در این محیط حفظ کنید؛ ایمان ما، اعتقاد، اخلاق و تقوای ما محفوظ بماند؛ جوانان قلبشان پاک است امام علی بن موسی الرضا(ع) هم حتماً به خواسته آنها پاسخ می دهد و یقین داشته باشید که می توانید با دست پُر از اینجا برگردید. بار دیگر از دیدار شما عزیزان خوشبختم، امیدوارم برنامه هایتان باز هم در منطقه شمال تهران ساری و جاری باشد و بدانید این جلسات باعث سعادت دنیا و آخرت شما خواهد بود، من هم از صمیم دل برای شما دعا می کنم از شما هم انتظار دارم ما را از دعا، با آن قلب پاکتان فراموش نکنید.



